



کاوه زال نژاد^۱

رضا کاکوان^۲

دکتر سید عسگر میرفتح الهی^۳

کیومرث میرفتح الهی^۴

از شهر زیبا تا زیباشناسی شهری

(تحلیلی بر نقش و جایگاه منظر شهری، در سیما و هویت شهرها)

چکیده

شهر به عنوان واقعیت اجتماعی، مکانی است، که انسان آن را برای بقاء و زیستن خلق نموده است. داشتن شهر زیبا و خلاق نهایت آرزوی دیرینه هر فرد و اجتماع است. شهر زیبا، انعکاس فرهنگ و هویت شهروندان در طول حیات شهری است. امروزه مطالعات زیادی را بسیاری از اندیشگرایان شهری در رابطه با داشتن شهر بی دغدغه و عاری از دلمشغولی انجام داده اند، که چندان کارآمد نبوده، و این گره خوردگی بصری و آسایش محیطی به بار نشست. زشتی و نازیبایی برخی از شهرها، احساس سرزندگی شهری را از شهرها دور نموده، و باعث گردیده شهروندان به محیط شهری بیرون چندان رغبت و تمایل نشان ندهند. عدم وجود شهر زنده و پویا، بی ثباتی برخی از مسؤلان و متولیان شهرها به بازپیرایی شهر، نبود فضاهای مکث و خاطره های جمعی، عدم وجود استفاده از کارشناسان شهری و ... روز به روز بر حقارت شهرها افزوده است. امید است متولیان شهرها گام

- 1- عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس - پژوهشگر و کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری (عضو مهندسين مشاور مازند نقش کبان - عضو مهندسين مشاور طاقستان زنده رود- عضو کانون نویسندگان ایران)
نویسنده عهده دار مکاتبات 0911-3935939
pazhoheshgar1391@gmail.com
- 2- دانشجوی دکتری جغرافیای اقلیم (آب و هواشناسی - پردیس دانشگاه خوارزمی)
- 1- استاد گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران
- 4- کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری



مطلوبی برای استغنائی ادبیات چهره آرای کشور بردارند تا پایانی باشد بر معمای سیمای زمخت و منظر درهم. نتیجتاً چیزی به نام هویت وجود دارد که شهر را می سازد. هویت قلب تپنده شهرهاست، این که چرا بعضی از شهرها هویت ندارند، و بحث هویت بخشی در شهرها فراموش شده، عنوان سوالی است که نگارندگان در جهت پاسخ گویی به آن خواهند برآمد. این مقاله به روش توصیفی- تحلیلی انجام شده است. پر واضح است که کنکاش پیش رو هدفی جز ساماندهی منظر شهری ندارد، دغدغه این جستار این است، که متولیان شهرها، علی الخصوص کارشناسان زیباسازی، به هویت شهرها احترام گذاشته تا غرور شهرها از بین نرود، و شاهد شهرهای مرده نباشیم.

واژه های کلیدی: فضای شهری، هویت بخشی، سیمای شهر، زیباشناسی، منظر شهری

مقدمه

معمولاً می پندارند که شهر ظرفی است که مردم در آن جای می گیرند و سکنی گزیدن آدمیان مانند جای گرفتن یک شی کوچک در یک جعبه است. مردمان صرفاً در شهرها زندگی نمی کنند، بلکه با شهرها به سر می برند. (زیبایی و رضازاده، 1389: 76)

هانری لوفبر «شهر را شیئی فضایی می داند که پهنه و موقعیتی را اشغال کرده و باید آن را به مثابه یک شیء با فنون و روش های مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، معیشتی و غیره مورد مطالعه قرار داد. در نظر او شهر به مثابه یک اثر هنری است. شهر نه سازمان یافته و نه نهادینه شده بلکه الگو یافته و به مالکیت گروه های مختلف درآمده است. از این رو شهر را باید از این دوجنیه مورد مطالعه قرارداد: بناهای مختلف و زمان بندی ای که برای شهروندان خود به وجود می آورند. (پارک، 1385)

«زیبایی» و «امر زیبا» در شمار مفاهیمی هستند که عمری به درازنای اندیشه بشر دارند. با این حال، تحول عمده در این مفهوم در دوران جدید رخ داد؛ به این معنا که اگر در گذشته زیبایی در مفهوم نظم و هماهنگی طبیعی و تعادل اخلاقی بود، در دوران مدرن به ویژه پس از تاملات زیبایی شناختی کانت، این مفهوم یکسره دگرگون شد و ذوق، حس و تجربه زیبایی شناختی محور تفکرات فیلسوفانه قرار گرفت. به هر روی، روایت این تحول اگرچه بارها بازگو شده اما هنوز از جذابیت خاصی حکایت دارد

زیبایی عموماً خصیصه ای تعریف شده که در پدیده هایی نظیر طبیعت، آثار هنری و انسان تجلی یافته است و تجربه ادراکی خوشایند و لذت بخشی را از طریق جلوه های بصری و حسی نظیر قالب و صورت، رنگ یا ویژگی شخصیتی به بیننده القا می کند، بدین سان زیبایی غالباً میزانی از هارمونی را به رخ بیننده می کشاند.

زیبایی عموماً از ذات هستی زیستی و اجتماعی انسان سرچشمه می گیرد و به همین دلیل لازمه ی سعادت و تعالی زندگی فردی و اجتماعی است. از این رو انسان همیشه و در همه جا در جستجوی زیبایی و خلق زیبایی است و «زیبا خواهی» و «زیبا دوستی» بخشی از سرشت و سرنوشت آدمی است. (مهدیزاده، 1385: 9)